

بازتاب فرهنگ و ادبیات عامه در وقف‌نامه‌های روزگار قاجار در استان کرمانشاه از منظر تحلیل گفتمان

محمد مولایی^۱، وحید مبارک^{۲*}، فاطمه کلاهیچیان^۳، غلامرضا سالمیان^۴

(دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۱)

چکیده

فرهنگ عامه مردم ایران در اعصار و قرون کهن ریشه دارد، به گونه‌ای که می‌توان ایران را خاستگاه آیین‌ها، باورها و سنن کهن دانست. استان کرمانشاه از جمله مناطقی است که دارای ریشه‌ها و بن‌مایه‌های فرهنگی غنی و مختص به خویش است؛ در نتیجه باورهای مردم آن دیار می‌تواند به خوبی منعکس‌کننده فرهنگ عامه آن منطقه باشد. در این میان آنچه به‌طور خاص، مورد توجه است، تبلور این فرهنگ غنی در وقف‌نامه‌ها به عنوان بخش مهمی از فرهنگ و ادبیات عامه است. در پژوهش حاضر پنج وقف‌نامه متعلق به دوره قاجار از این استان انتخاب و بازخوانی شد و سپس به روش توصیفی - تحلیلی مشخصه‌های فرهنگ و ادبیات عامه در آن ها بررسی شد. نتایج حاصل حاکی از آن است که این متون بهترین ابزار برای رصد تفکرات مردم در دوره قاجار به‌شمار می‌روند و می‌توان بازتاب‌های فرهنگ و ادبیات عامه را به‌وضوح در آن‌ها مشاهده و بررسی کرد. مشاغل و حرفه‌ها، ابزار و وسایل، اوزان و مقادیر، القاب و عناوین، دعا و نفرین، کنایات و اصطلاحات عامیانه، نسبت‌های فامیلی، واحدهای اندازه‌گیری و آیین‌های مذهبی از جمله عناصر مادی و معنوی هستند که در وقف‌نامه‌های انتخاب‌شده، شناسایی و بررسی و تحلیل شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامه، فولکلور، وقف‌نامه، دوره قاجار، استان کرمانشاه.

۱. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول)

*mobarak-vahid@yahoo.com

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه

۴. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه

۱. مقدمه

فرهنگ عامیانه هر ملتی ریشه‌های محکم و استواری در قرون گذشته و تاریخ آن سرزمین دارد. این فرهنگ گاه با باورهای مذهبی و توتّم‌ها و تابوها و گاه با ادبیات و زبان فولکلور آن ملت گره می‌خورد. توجه به نمادها و اسطوره‌ها، سنن تاریخی و ملی، باورهای مذهبی و اعتقادی و گویش‌ها و ضرب‌المثل‌ها، کنایات و اشارات می‌تواند وسیله‌ای برای شناخت فرهنگ عامیانه یک سرزمین باشد.

ایران از جمله کشورهایی است که همواره در طول تاریخ خود، علاوه بر اینکه زادگاه اسطوره‌ها و باورها و آیین‌های منحصر به فرد و شگرف بوده، در بسیاری از موارد اندیشه و فرهنگ آن، الگوی سایر ملل شده و به دیگر سرزمین‌ها انتقال یافته است.

ایران نه تنها زادگاه بسیاری از مناسک و آداب، آیین و باورهای کهن‌الگوی قومی دیرگشت است، بلکه آوردگاهی آب‌دیده و فرهنگ‌آور است که به سبب موقعیت و وضعیت درنگ‌برانگیز و تاریخی، سده به سده گذرگاهی فرهنگ‌صدور نیز بوده است (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۱۳).

شاید بتوان گفت این صدور فرهنگ که عموماً به واسطه تبادلات زبانی صورت می‌گیرد، وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ است. «زبان با فرهنگ رابطه مستقیم دارد و گاه زبان را معادل فرهنگ می‌دانند. نقش و تأثیر زبان در مطالعات فرهنگی از همین جا روشن می‌شود. زبان ماندگارترین عنصر فرهنگی در طول زمان است. عناصر هویت‌ساز مثل خوراک و پوشاک، تاریخ، معماری و ... ممکن است دستخوش تغییراتی شود؛ اما آثار زبانی طی سالیان متمادی باقی می‌مانند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۳۶۸).

بنابراین برای آنکه بتوان به بحث درباره ادبیات عامه و بازتاب آن در متون مختلف پرداخت، ابتدا لازم است تعریفی مشخص از فرهنگ ارائه شود. فرهنگ «همان است که در زبان‌های فرنگی culture و در عربی ثقافت می‌خوانند و آن عبارت است از مجموعه میراث‌های معنوی یک قوم، اعم از آنکه محصول عقل و ادراک یا زاده ذوق و عاطفه ایشان باشد» (محبوب، ۱۳۸۲: ۳۶). در تعریفی دیگر «فرهنگ را زائیده آن بخش از تراوش‌های ذهنی و فراورده‌های فکری مردم می‌شناسند که دربرگیرنده فلسفه، هنر، ادبیات و آیین‌های جاافتاده و دیرپا و آمیخته با سرشت افراد و دودمان‌های یک جامعه

می‌باشد. فرهنگ بیشتر دارای جنبهٔ آفرینش، دیرندگی معنوی، ذهنی و بنیادی است» (شادابی، ۱۳۷۷: ۹). ادبیات عامه نیز همچون فرهنگ دارای تعاریف گوناگون است.

نخستین بار آمبرواز مورتن (Ambroise Morton) در ۱۸۸۵ میلادی آثار باستانی و ادبیات توده را Folk-lore نامید، یعنی دانش عوام. در آلمان و هلند و کشورهای اسکاندیناوی، لغت Volkskunde معادل آن را پذیرفتند؛ اما در کشورهای لاتینی‌زبان، ابتدا مقاومت بیشتری نشان دادند و پس از کشمکش‌ها و وضع لغات دیگر، بالآخره، به این نتیجه رسیدند که فولکلور جامع‌ترین لغتی است که شامل تمام دانش عوام می‌شود و مشتقات این لغت را نیز وارد زبان خود کردند (هدایت، ۱۳۷۸: ۲۳۳).

ادبیات عامه بخشی از فرهنگ عامه است. در تعریفی ساده، ادبیات عامه عبارت است از «واژگان و اصطلاحات غیررسمی و غیرمعیار که معمولاً تنها برای افراد یک گروه اجتماعی یا ناحیه‌ای خاص قابل درک است» (ذاکری، ۱۳۸۱: ۱۸۵). اما در حیطهٔ وقف‌نامه‌ها وضعیت به گونه‌ای دیگر است؛ زیرا متن وقف‌نامه‌ها در نگاه اول رسمی بوده و توسط افراد خاصی نگاشته شده است؛ اما دارای اصطلاحات و تعبیری است که درون‌مایه‌ای عامیانه دارند و در عین حال که دشوار به نظر می‌رسند، در دورهٔ قاجار مورد استفادهٔ تودهٔ مردم قرار می‌گرفته‌اند.

وقف سنت حسنه‌ای است که در ادوار مختلف تاریخ، به اشکال گوناگون با زندگی اجتماعی مردم پیوند داشته و در فرهنگ ایرانی بر آن تأکید شده است. وقف در اصطلاح فقهی عبارت است از: «نگه داشتن و حبس کردن عینِ ملکی بر ملک واقف آن و مصرف کردن منفعت آن در راه خدا» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «وقف»). به عبارت دیگر وقف «بازداشتن و حبسی از اموال است که دیگر حق تصرف، فروش هبه و مانند آن منتفی می‌شود. به همین دلیل وقف تنها در اموالی جایز است که ماندگاری داشته باشند» (ایازی، ۱۳۸۷: ۳۹).

«در زبان فارسی واژهٔ سنت سه کاربرد عامیانه، مذهبی و علمی دارد. در دین، سنت، مفهوم مقدسی دارد و به معنای ودیعهٔ الهی است که توسط گذشتگان به ما رسیده است» (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۳). بنابراین می‌توان وقف را یک سنت عامیانهٔ ماندگار دانست. در تأیید اینکه وقف یک سنت عامیانه است، همین بس که رد پای این سنت در ادبیات و

ضرب‌المثل‌های عامیانه مشهود است. برای مثال در ادبیات عامه ضرب‌المثل «روغن ریخته را وقف امامزاده کردن» از عبارات پرکاربرد درباره اشخاص خسیس بوده است؛ یا حافظ (۱۳۸۹: ۳۳) در دیوان خویش آورده است:

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوا داد که می حرام ولی به زمال اوقاف است
و یا سعدی در بوستان می‌فرماید:
ندیدم چنین گنج و ملک و سریر که وقف است بر طفل و درویش و پیر
(سعدی، ۱۳۵۶: ۵۷)

یا در جایی دیگر آورده است:

نمرد آنکه ماند پس از وی به جای پل و خانی و خان و مهمانسرای
هر آن کو نماند از پیش یادگار درخت وجودش نیاورد بار
وگر رفت و آثار خیرش نماند نشاید پس از مرگش الحمد خواند
(همان، ۷۵)

با توجه به اهمیت سنت وقف در فرهنگ ایرانی - اسلامی و پیوند ناگسستنی این سنت با فرهنگ عامیانه مردم، بازتاب فرهنگ عامیانه در آن امری آشکار است؛ اما کاربرد این فرهنگ و بازتاب آن در متن وقف‌نامه‌ها امری است که نیاز به پژوهش و بررسی دارد. با توجه به چگونگی اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره قاجار، این دوره تاریخی به‌عنوان بازه زمانی مورد تحقیق در نظر گرفته شد و منطقه جغرافیایی کرمانشاه به‌عنوان خاستگاه فرهنگی مردم کردزبان ایران، به‌عنوان محدوده جغرافیایی لحاظ شد.

برای بررسی بازتاب فرهنگ و ادبیات عامیانه ایران در وقف‌نامه‌های دوره قاجار در کرمانشاه، از روش کتابخانه‌ای و خوانش متن وقف‌نامه‌ها استفاده شد و تمام مصادیق فرهنگ و ادبیات عامه با روش تحلیلی، در هر مورد ذکر و بررسی شد.

۲. پیشینه تحقیق

از آن‌جا که فرهنگ و ادب عامیانه از مقوله‌های مهم در شناخت جوامع، آداب و رسوم، آیین‌ها و سنن، باورها و عقاید جمعی آن جوامع است، تحقیقات بسیاری درباره فرهنگ

و ادبیات عامیانه صورت گرفته است. از جمله این تحقیقات در حوزه ادبیات عامه می‌توان به برخی موارد اشاره کرد:

۱. یکی از مهم‌ترین کوشش‌هایی که در زمینه ادبیات عامیانه ایران صورت گرفته است، کتاب *ادبیات عامیانه ایران* نوشته محمدجعفر محجوب و به کوشش حسن ذوالفقاری (۱۳۸۲) است. در این اثر تلاش شده است تا مجموعه‌ای کامل از آداب و سنن و باورهای ایرانیان گردآوری و معرفی شود.

۲. مقاله «باورها و عناصر ادبیات عامه در رمان سووشون» پژوهشی است که توسط غلامرضا کافی و زهره عامری (۱۳۹۳) انجام شده و به بررسی ابعاد ادبیات عامه در این اثر پرداخته و نموده‌های توت‌م، تابو، خرافه، آنیما و ... را در آن معرفی کرده است.

۳. علی جهانشاهی افشار و سیدامیر جهادی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب باورهای عامه در کتابت در دوره اسلامی» به واکاوی متونی که توسط دبیران دربار در دیوان‌ها نگاشته شده است، پرداخته‌اند و تأثیر ادبیات عامیانه و باورهای شخصی کاتبان را در این متون، بررسی کرده‌اند.

۴. فرخ حاجیانی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بن‌مایه‌های فولکلوریک در طومارهای نقالان» به بررسی طومارهای نقالی به‌عنوان متون ادب عامه پرداخته‌اند.

۵. محمود روح‌الامینی (۱۳۹۴) نموده‌های فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی را به‌صورت مختصر در چند وقف‌نامه بررسی کرده است.

۶. حسین علی‌نقیان (۱۳۸۷) در بررسی فرهنگ عامه به تحلیل سنت وقف و ترویج قرآن پرداخته است.

۷. یکی از آثار مهم در زمینه شناخت وقف و وقف‌نامه‌ها، کتاب *زندگان عرصه عشق* است که اردشیر کشاورز (۱۳۸۲) در آن، وقف‌نامه‌های کرمانشاه را بازخوانی کرده و در موارد اندکی نیز به بررسی برخی از مصادیق ادب عامه در این متون پرداخته است. در این اثر علاوه بر شرح زندگانی واقفان به اوضاع تاریخی روزگار آنان نیز توجه شده است.

۸. امیری کمال‌آباد و تفتی (۱۳۹۵) صنایع ادبی به‌کار رفته در متن وقف‌نامه قنات و باغ دولت‌آباد یزد را بررسی کرده‌اند.
۹. خسروی (۱۳۷۸) به موضوع اهمیت وقف‌نامه‌ها به‌عنوان اسناد باارزش ایران در حوزه زبان‌شناسی پرداخته است.
۱۰. شهرستانی (۱۳۸۱) وقف‌نامه «هفده تن در شهر گلپایگان» مربوط به سال ۱۲۶۱ هجری را بازخوانی کرده است.
۱۱. هاشمیان (۱۳۹۵) به موضوع بازتاب وقف از حیث واژگانی و مفهومی در ادبیات فارسی پرداخته است.
۱۲. انزابی‌نژاد (۱۳۸۸) بیست وقف‌نامه از استان خراسان را بازخوانی کرده که پنج وقف‌نامه آن متعلق به دوره قاجار است.
۱۳. حاجی عباسی و رضایی (۱۳۹۰) تعداد ۷۲ وقف‌نامه متعلق به بلوک غار و فشاپویه در تهران را بازخوانی و بازنویسی کرده که برخی از آن‌ها مربوط به دوره قاجار است. با توجه به پیشینه یادشده، به‌نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی اختصاصی درباره فرهنگ عامیانه و تبلور آن در وقف‌نامه‌ها و دست‌نوشته‌هایی از این قبیل صورت نگرفته است. درنتیجه انجام پژوهشی درباره فرهنگ و ادبیات عامیانه کرمانشاه، در بازه‌ای از تاریخ و در متون خاصی چون وقف‌نامه‌ها، می‌تواند تحقیقی راهگشا و اثربخش در زمینه اثبات پیوندهای سنت وقف با فرهنگ عامیانه مردم کرمانشاه باشد و حضور پررنگ این سنت حسنه را در زندگی مردم و حتی زبان و ادبیات عامه اثبات کند. همچنین این پژوهش می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای باشد برای آنکه متون وقف‌نامه‌ها را بخشی از ادبیات عامه تلقی کنیم.

۳. چارچوب نظری پژوهش

وقف ازجمله رفتارهای اجتماعی است که می‌تواند بخشی از فرهنگ عامیانه مردم ایران باشد؛ زیرا وقف رفتاری است خودخواسته که از دل اجتماع و زندگی عوام برمی‌خیزد. اگر به مطالعه وقف‌نامه‌ها پرداخته شود و جامعه آماری مناسبی از آن‌ها بررسی شود، قطعاً می‌توان مصداق‌هایی بارز از فرهنگ و ادبیات عامیانه در آن‌ها یافت. این مصداق‌ها

می‌توانند دربردارنده شاخه‌های مختلفی از ادبیات یا فرهنگ عامه باشند. علاوه بر آن «بسیاری از مواد و عناصر فولکلور را می‌توان برشمرد که به‌صورت زبانی و شفاهی منتقل نمی‌شود؛ ولی در ردیف فولکلور قرار دارند؛ مانند نوشته‌های روی سنگ قبرها، دعاها، طلسم‌ها، قراردادهای قول‌نامه‌های سنتی و وصیت‌نامه‌ها. این‌ها بخشی مهم از فولکلور هستند که تنها از طریق کتبی حفظ و منتقل می‌شوند» (جعفری قنوتی)، ۱۳۸۴: ۱۰۲). با توجه به اینکه وقف‌نامه‌ها در گروه وصیت‌نامه‌ها و گاه قراردادهای قرار می‌گیرند؛ می‌توان آن‌ها را در حوزه فرهنگ و ادبیات عامه، بررسی کرد. در ادامه وقف‌نامه‌هایی که به‌عنوان مواد تحقیق مورد استفاده و استناد قرار گرفته، معرفی شده است.

جدول ۱: وقف‌نامه‌های مورد بررسی

ردیف	عنوان وقف‌نامه	سال وقف (به هجری)	مصارف موقوفه
۱	اشرف‌الحاجیه	۱۳۱۱	عزاداری سیدالشهدا ^(ع) ، اطعام عزاداران و برگزاری جلسات روضه‌خوانی و حمل جسد وی به نجف
۲	حاج میرزا محمدعلی حکیم-باشی	۱۳۴۰	ختم قرآن و اطعام مسکینان و غربا
۳	مرحومه هاجر خانم	۱۳۲۲	مخارج کفن و دفن، حمل جنازه به عتبات عالیات، فاتحه و رد مظالم، صوم و صلوات، روضه‌خوانی، اطعام فقرا و خیرات
۴	میرزاهادی خان کارگذار	۱۲۹۲	روشنایی چراغ‌های بین صفا و مروه و پاکسازی آن‌جا
۵	عمادالدوله امامقلی میرزا	۱۲۸۹	مستمری طلاب، معلمان و متولیان و تعیین محل زندگی مدرسان مدرسه

در حوزه فرهنگ و ادبیات، دسته‌بندی‌های متعددی برای عناصر فرهنگ یا ادبیات عامه تعریف شده است؛ لیکن با توجه به تقسیم‌بندی انجوی (۱۳۷۱) می‌توان موارد زیر را نام برد:

الف: عناصر معنوی: آداب و رسوم (سوگواری، آداب زیارت، و ...)، آیین‌های ملی و مذهبی شامل جشن‌ها و عزاداری‌ها (عید قربان، نوروز، و ...)، هنرهای قومی (صنایع دستی، هنرهای نمایشی و ...)، سرگرمی‌ها (بازی‌ها، فال‌ها و ...)، ادبیات و زبان عامه (کنایات، اصطلاحات و ...)، خرافه‌ها و عقاید.

ب: عناصر مادی: ابزارها، مسکن (شهرها و معماری)، پوشاک (لباس‌ها، کفش‌ها، کلاه‌ها، لباس‌های کار و ...)، پیشه‌ها و مشاغل، و اقتصاد و معیشت.

درنتیجه، با توجه به اینکه وقف‌نامه‌ها متونی خاص با نوع نگارش متفاوت و دارای هر دو عنصر مادی و معنوی هستند، دسته‌بندی انجوی - که ساده‌ترین و ملموس‌ترین دسته‌بندی بود - برای بررسی آن‌ها لحاظ شد تا بتوان عناصر فرهنگ و ادبیات عامه را در متون وقف‌نامه‌ها نشان داد. بنابراین به‌طور کلی می‌توان مؤلفه‌های فرهنگ و ادبیات عامه را در وقف‌نامه‌های مورد بررسی در دو گروه مادی و معنوی خلاصه کرد.

۱-۳. عناصر معنوی فرهنگ عامه در وقف‌نامه‌ها

عناصر معنوی فرهنگ عامه عموماً در باورها، عقاید و زبان مردم یک منطقه جغرافیایی خاص ریشه دارد. این عناصر بسته به زمان و مکان متغیر هستند و متناسب با عقاید و اندیشه‌های فرهنگی و مذهبی مردم، کاربرد دارند.

۱-۱-۳. عناوین و القاب

اگر از ابتدای وقف‌نامه‌ها، مصداق‌های ادبیات و فرهنگ عامیانه بررسی شود، اولین نکته حائز اهمیت، عناوین و القاب به‌کاربرده شده در این وقف‌نامه‌هاست. اگرچه القاب و عناوین به‌کار رفته عربی هستند؛ ولی با توجه به زبان و ادبیات دوره قاجار و مذهبی بودن متون وقف‌نامه و گویش اجتماعی روحانیون آن عصر، این امر طبیعی است. علاوه بر این، دادن این القاب و عناوین از زمانی متداول شد که شاهان قاجار به فرزندان و زنان خود القاب پرطمطراق دادند و سپس این عناوین اشاعه پیدا کرد و به همه ارکان حکومت تعمیم یافت و ناخودآگاه به فرهنگ و ادبیات عامه نیز رسوخ کرد. به‌طور کلی القاب و عناوین را می‌توان در پنج گروه خلاصه کرد:

۳-۱-۱. القاب و عناوین اشرافی: این القاب که عموماً درباره واقف و فرزندان و وراث او به کار برده شده‌اند، از نظر دستوری صفات (اضافه وصفی) و از نظر فنون ادبی تتابع اضافات به‌شمار می‌روند. کاربرد این اوصاف نشان‌دهنده تعلق این افراد به خاندان‌های اشرافی و درباری و بیانگر تمول مالی آن‌هاست؛ برای مثال:

- عالی‌جناب قدوه المخدّرات و زبده المستورات نواب علیّه عالیّه، اشرف الحاجیه مسمی به کشور خانم: (وقف‌نامه ۱). این عبارات و القاب به معنای پیشوای خانم‌ها و برگزیده پوشیده‌رویان و شاهزاده بزرگ و بلندمرتبه و رفیع است.

- عالیجه: (وقف‌نامه ۴۱) در لغت به معنی عالی‌شان، عالی‌رتبت و عالیقدر است. این واژه از القاب احترام است که در اول نوشته‌ها و نامه‌ها نویسند (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل عالیجه).

- علیا مکرمه: (وقف‌نامه ۱) به معنای بلندمرتبه با کرامت، خطابی است تعظیم‌آمیز و تفخیم‌آمیز برای زنان (همان، ذیل «علیا مکرمه»).

- مخدّره المعظمه المجلّله: (وقف‌نامه ۱) پرده‌نشین بزرگ و گرامی داشته‌شده. مخدّره زن باحجاب و پرده‌نشین، پاکدامن و باشرم و حیا را گویند (همان، ذیل «مخدّره») و معظمه به زن بزرگ‌کرده شده، بزرگ‌داشته شده، به بزرگی توصیف شده و تعظیم‌شده و محترم گویند (همان، ذیل «معظم»).

زنان یکی از مهم‌ترین عناصری هستند که در تمدن و فرهنگ هر ملتی جایگاه ویژه‌ای دارند. نگرش مثبت جامعه به زنان و نقش آن‌ها در اجتماع و خانواده تضمین‌کننده دوام خانواده و سلامت روانی آن‌هاست. مسئله جنسیت بر بیشتر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و ادبی تأثیرگذار است و بدیهی است که بر باورها و عقاید گذشتگان نیز نقش مهمی داشته است (جبار ناصرو، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

- نواب مستطاب، اشرف والا شاهزاده ...: (وقف‌نامه ۲۱) نواب عنوانی است در ایران عهد صفویه و قاجاریه که به شاهزادگان و گاه شاهان گفته می‌شده است. نواب از نظر لغوی به معنای نیابت‌کننده و وکیل است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «نواب») و مستطاب به معنی خوش، نیکو، پسندیده و شایسته و خوش‌آیند است. جناب مستطاب از القاب و عناوین بزرگان است که در مخاطبه یا مکاتبه استفاده می‌شده است (همان، ذیل «مستطاب»). در

وقفنامه حکیم‌باشی «جناب مستطاب علّام فهم خیر الحاج و المعتمدین» القابی است که به پیش‌نماز داده شده است.

- سرکار شریعتمدار: (وقفنامه ۱) سرکار یکی از القابی است که در تعظیم و تکریم شخص استعمال می‌کنند (همان، ذیل «سرکار») و شریعتمدار عنوان و لقبی بود که به عالمان علوم دینی گفته می‌شد.

- مقرب‌الخاقان: (وقفنامه ۳ و ۴) خاقان از القاب فتحعلی‌شاه قاجار بوده است و مقرب‌الخاقان لقبی است که به نزدیکان وی می‌داده‌اند.

۳-۱-۲. القاب و عناوین مذهبی: این القاب بیشتر درباره واقفان به‌کار رفته است. از نظر دستوری معمولاً صفت یا ترکیبات اضافه‌ای هستند که در بسیاری از موارد، مضاف‌الیه آن‌ها، لفظ جلاله «الله» است.

- آیت‌الله: (وقفنامه ۱) نشانه و حجت خدا (دهخدا، ذیل آیه‌الله).

- مجتهدالزّمان: (وقفنامه ۱) عالم فقهی روزگار، از القابی بوده است که برای علما به‌کار می‌برده‌اند.

- حجت‌الاسلام والمسلمین: (وقفنامه ۱) به‌معنی «دلیل و برهان اسلام و مسلمانان» است که به‌طور معمول برای امامان جماعت، علمای دین و بزرگان به‌کار می‌رفته است.

- شریعت‌مآب: (وقفنامه ۴) یعنی کسی که دین به سوی او باز می‌گردد.

- عدالت‌شعار: (وقفنامه ۵) به معنی آنکه عدالت و دادگری، رسم و پیشه زندگی او باشد.

۳-۱-۱. القاب زیارتی: واژگانی هستند که به‌واسطه سفر به اماکن متبرکه مذهبی به افراد می‌دهند و بیش از سایر القاب در فرهنگ و ادبیات عامه کاربرد دارند. بسامد این واژگان در زبان عامه آن قدر بالاست که در بیشتر مواقع این صفات جانشین اسم افراد می‌شود. از لحاظ دستوری در وقف‌نامه‌ها این القاب یک سوی ترکیبات دوطرفه بدل و بدل‌منه هستند.

- حاجی یا حاجیه: (وقفنامه ۱ و ۲ و ۳) به کسی که به سفر حج مشرف شده باشد، گویند.

- مشهدیه: (وقف‌نامه ۳) بانویی را که به زیارت امام هشتم، علی بن موسی الرضا^(ع)، نائل شده باشد، مشهدیه می‌گویند.
- کربلایی: (وقف‌نامه ۳) کسی که توفیق زیارت عتبات عالیات و حرم مطهر سیدالشهدا^(ع) شامل حال او شده باشد. اگر شخصی که به زیارت عتبات عالیات رفته، زن باشد، به او «کربلاییه» می‌گویند.
- ۳-۱-۱-۴. القاب ویژه مشاغل: این دسته از القاب را به واسطه شغل افراد، به آن‌ها نسبت می‌داده‌اند. گاهی القاب ویژه مشاغل از ترکیب نام پیشه و پسوند ترکی «باشی» ساخته می‌شوند. این گروه واژگان از نظر دستوری می‌توانند در جایگاه‌های مختلفی ظاهر شوند؛ اما معمولاً بدل یا مضاف‌الیه هستند. از آن جمله است:
- مُلّا: (وقف‌نامه ۲) در زبان عامه لقب استاد یا معلم است. در گذشته، ملّا شخصی فاضل بوده که نزد مردم احترام خاصی داشته است.
- حکیم‌باشی: (وقف‌نامه ۲) در فرهنگ عامه برای احترام به طبیب بزرگ، هنگام خطاب وی، از لفظ حکیم‌باشی استفاده می‌کرده‌اند.
- میرزا: (وقف‌نامه ۲) مخفف واژه میرزا، به معنی بزرگ‌زاده و اشراف‌زاده است؛ اما در تداول عامه به منشی‌ها و نویسندگان نیز گفته می‌شد.
- ۳-۱-۱-۵. القاب عمومی: این القاب در وقف‌نامه‌ها برای عموم مردم یا افرادی که از وقف بهره‌مند خواهند شد، به کار رفته است. این واژگان در بیشتر موارد صفت و بیانگر ویژگی مخاطب هستند.
- افلاطون‌الزّمان: (وقف‌نامه ۲) افلاطون از بزرگان علم فلسفه در یونان بوده است. در فرهنگ عامیانه افلاطون به مردمان دانا گفته می‌شود.
- رضوان‌جایگاه: (وقف‌نامه ۴) آنکه بهشت جایگاه اوست.
- اما نکته متفاوت درباره القاب این است که در طول تاریخ، ادبیات عامه تمایل و گرایش خاصی به سادگی واژگان و اصطلاحات داشته است؛ اما درباره القاب دوره قاجار، وضع به گونه‌ای دیگر است. یعنی با وجود دشواری در گویش، باز هم به‌صورت گسترده از آن‌ها استفاده شده است. دلیل این امر آن است که

از قرن هفتم و هشتم هجری نویسندگان یکباره محو زبان عرب شدند و به جای آنکه لغات عربی را به وام بستانند و به قدر احتیاج خرج کنند، مثل خوان یغما غارت کردند و هرکس تعجیل داشت که بیش از رفیقش برگیرد و سپس آن لغات را مانند تاج مرصع یا قلاذه زرین آویزی سر و گردن نثر و نظم ساختند (بهار، ۱۳۷۰: ۲۵۴).

۳-۱-۲. دعا و نفرین

دعاها و نفرین‌ها همواره در زبان حاضر بوده‌اند. خواه در زبان و کلام محاوره و خواه در زبان و ادبیات رسمی، دارای کارکردهای متعدد هستند. در بسیاری از ابیات و عبارات ادبیات کلاسیک، شاهد این‌گونه عبارات و شبه‌جمله‌ها هستیم. در متن وقف‌نامه‌ها دعاها و نفرین‌های فراوانی دیده می‌شود که به شکل‌های گوناگون وارد زبان عامه شده‌اند. اما بسامد دعا بیش از نفرین است؛ زیرا عموماً مخاطب در وقف‌نامه‌ها فرزندان و اقوام واقف و نیازمندان هستند و طبیعی است که در چنین متونی، نفرین جایی نداشته باشد. حتی در موارد اندکی هم که واقف لب به نفرین گشوده، منظورش آن بوده است تا متولی یا وارثان خویش را از تغییر در نیت خویش بر حذر دارد.

۳-۱-۲-۱. دعاها

دعا در فرهنگ اسلامی و ایرانی از اعمال پسندیده و مورد ستایش بوده و هست. در فرهنگ و ادبیات عامه، دعا جایگاه ویژه‌ای داشته و بسیار پرکاربرد است. درون‌مایه این دعاها، گاه مادی و دنیایی، و گاه معنوی و اخروی است.

- قدس سره: (وقف‌نامه ۱) در زبان فارسی به معنی «گور او پاک و مقدس باد یا خاک او پاکیزه باد!» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «قدس‌سره»). این دعا از جملات معترضه با مضمون اخروی است.

- خلدِمکان: (وقف‌نامه ۱) بهشت جای یا خلد آشیان (همان، ذیل «خلدِمکان») از عبارات دعایی است. از نظر معنوی، اینکه بهشت جای کسی باشد، سعادت است که در باور عامیانه، تنها شامل حال رستگاران می‌شود.

- دامت برکاته: (وقف‌نامه ۱) به معنی «بر دوام و پیوسته باد برکت‌های او. دعایی است که پس از بردن یا نوشتن نام فقیهی یا مجتهدی کنند» (همان، ذیل «دامت برکاته») که معادل اصطلاح عامیانه «برکت زیاد» در زبان عامه است.
- دامت شوکت‌ها: (وقف‌نامه ۱ و ۵) در لغت‌نامه دهخدا آمده است: «بر دوام و پیوسته باد شوکت او (زن)» که معادل کنایه عامیانه «خدا از بزرگی کمتان نکند» است که نگارنده با آن از خداوند درخواستی مادی دارد.
- دام ظلّه: (وقف‌نامه ۱ و ۴) به معنای «سایه‌اش پاینده باد» (همان، ذیل «دام ظلّه»). در زبان عامیانه به جای این عبارت از کنایه ساده‌تر «سایه شما مستدام» یا «خدا سایه شما را از سر ما کم نکند» استفاده می‌کنیم.
- دام توفیقاته: (وقف‌نامه ۱) به معنی «کامیابی او برقرار باشد».
- رحمت‌الله علیه: (وقف‌نامه ۱) به معنی «خدا او را رحمت کند!» دعایی معنوی که معادل دعای فارسی «خدا رحمتش کند» است.
- دام اجلاله: (وقف‌نامه ۱ و ۴)، دارای مضمونی مادی و به معنی «پیوسته باد بزرگواری و بزرگ‌قدری او» (همان، ذیل «دام اجلاله») که معادل عبارت «خدا از بزرگی کمتان نکند» است.
- زید (دام) عزّها: (وقف‌نامه ۱ و ۳ و ۴)، «عزیزی و ارجمندی او بیشتر شود» که معادل عبارت عامیانه «خدا عزت بدهد» است.
- دامت عفتها: (وقف‌نامه ۱)، به معنی «پاک‌دامنی او همیشگی باد!»، که در زبان عامیانه، معادل «خدا از خانمی کمتان نکند» است.
- دام اقبالهما: (وقف‌نامه ۴)، اقبال در تداول عامه به معنای خوشبختی و سعادت است. سعادت و خوشبختی ایشان همیشگی باشد، معادل اصطلاح عامیانه «خوشبخت باشی همیشه» است.

نفرین نیز مانند دعا نه تنها یک موضوع دینی و اعتقادی در باور جمعی مردم است؛ بلکه از بن‌مایه‌های فرهنگی جوامع به‌شمار می‌رود. در نتیجه بخشی از فرهنگ عامه مردم را تشکیل می‌دهد و خواه ناخواه به زبان و ادبیات عامه نیز راه می‌یابد.

– به لعنت و نفرین رسول(ص) گرفتار شود: (وقفنامه ۱) واقف برای آنکه از صحت اجرای وقف و نیات خویش مطمئن شود، با تکیه بر باور عامه تأکید می‌کند که عدم اجرای خواسته‌هایش و یا تغییر در آن، به نفرین رسول خدا منجر خواهد شد.

۳-۱-۳. آیین‌ها و مراسم

آنچه واقف در وقف‌نامه‌ها سفارش کرده، بیشتر مربوط به آداب بعد از مرگ و همچنین برپایی سنن مذهبی است. برگزاری مجالس مذهبی در ایام خاص و بزرگداشت ائمه به - شکل‌های گوناگون از پربسامدترین آیین‌های ذکرشده در وقف‌نامه‌هاست. صادق هدایت در کتاب فرهنگ عامیانه مردم ایران، عناصر فرهنگ عامه را در طبقه‌بندی‌های مختلفی آورده است. وی زیارت‌ها، نذرها و قربانی‌ها را بخشی از مذهب عامیانه مردمی می‌داند که در جست‌وجوی الوهیت هستند (هدایت، ۱۳۷۸: ۲۵۳). پایبندی به آداب و رسوم مذهبی از جمله ویژگی‌های مسلمانان به‌ویژه ایرانیان است. اما در دوره قاجاریه، به سبب یک‌دستی و اتحاد مردم در شعائر مذهبی، آیین‌ها و رسوم اسلامی به گونه متفاوتی برگزار می‌شد. در این دوره وعاظ، روحانیون و خطبا علاوه بر اینکه نقش مهمی در برگزاری آیین‌ها داشتند، عهده‌دار برگزاری مجالس وعظ و روضه‌خوانی، ساماندهی تعزیه‌ها و اجرای وقف‌نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها بودند. شاید به همین دلیل است که آداب و رسوم مذهبی و آیین‌های دینی از اجزای جدانشدنی وقف‌نامه‌ها هستند؛ زیرا بخش مهمی از وصیت واقفان شامل همین آداب و رسوم می‌شود. در ادامه به تعدادی از این رسوم اشاره شده است.

– تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء(ع) و ابی‌الفضل‌العباس(ع) در ده روز محرم یا ماه صفر: (وقفنامه ۱ و ۵)، تعزیه‌خوانی بخشی از فرهنگ عامه ایران و متون تعزیه‌خوانی بخشی از ادبیات عامیانه ایران هستند.

دوران قاجاریه (قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم)، یعنی درست، بدترین زمان از نظر اوضاع اجتماعی ایران، دوره شکوفایی تعزیه بود. مردم به علت شرایط بد زمانه به دنبال قهرمانان واقعی و شرافتمند بر روی صحنه نمایش بودند تا بتوانند سستی، فساد و ناتوانی دوره خود را تحمل کنند و راه نجاتی برای آن بیابند (سپیک، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

- درست در همین دوران وقف‌نامه‌هایی نگاشته شد که یکی از بندهای آن‌ها برگزاری تعزیه در ایام محرم بود. برپایی این جلسات نه تنها موجب سبکی روح مردم و آرامش خاطر آنان می‌شد، بلکه سبب حفظ و پاسداشت عقاید دینی در میان عموم مردم و همچنین زمینه‌ای برای فعالیت‌های سیاسی آنان بود.

- زیارت حضرت سیدالشهداء و نایب‌الزیاره گرفتن در چهار اماکن مشرفه: (وقف‌نامه ۱) وقف برای زیارت از جمله باورهایی بوده است که در طول تاریخ اسلام همواره شاهد آن بوده‌ایم. امام صادق^(ع) فرموده است: کسی که قبر امام حسین^(ع) را زیارت کند، هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرت او برآورده می‌شود (حرعاملی، ۱۳۸۰: ۴۷۶/۱۴). درواقع همین بشارت به اجر اخروی است که باور عامیانه و مذهبی فرستادن افراد به عنوان نایب‌الزیاره بعد از مرگ را قوت می‌بخشد.

- ذکر مصیبت (روضه‌خوانی): (وقف‌نامه‌های ۱ و ۲ و ۳) در روزگار قاجار عزاداری امام حسین^(ع) اهمیت بسیاری داشت. «گل سرسبد مجالس عزاداری امام حسین^(ع) روضه‌خوانی بود و در مساجد و تکیه‌ها، نه یک روضه‌خوان، بلکه چندین روضه‌خوان به ایراد سخنرانی و شرح مصیبت امام حسین^(ع) می‌پرداختند. اهمیت روضه‌خوانی در دوره قاجار را می‌توان از وقف‌نامه‌های گوناگون آن روزگار دریافت. یکی از بندهای وقف‌نامه‌ها، عموماً برگزاری مجالس روضه بوده است.

- عزاداری شب‌های جمعه در حسینیه: عزاداری برای اموات از سنت‌های عامیانه فرهنگ ایرانی است که می‌توان نمونه‌هایی از آن را در وقف‌نامه‌های دوره قاجار به‌ویژه وقف‌نامه ۱ ملاحظه کرد. واقف برای اطمینان از اینکه بازماندگان او یاد و خاطره او را گرامی می‌دارند، یکی از بندهای وقف‌نامه‌ها را به عزاداری شب‌های جمعه، برای اموات اختصاص داده است.

- اطعام چهل نفر از فقرا و زوار و غربا: (وقفنامه ۱ و ۲ و ۳)، اطعام فقرا در فرهنگ عامیانه، نه تنها یک فعالیت اجتماعی است؛ بلکه امری است که سبب خشنودی و رضایت پروردگار می شود و مستوجب پاداش الهی است. همین باور عامیانه مذهبی سبب شده است تا افراد مختلف پس از مرگ برای آمرزش گناهان خویش اموالشان را وقف اطعام فقرا کنند.

- سه روز و سه شب فاتحه و شب هفته و چله و سال: (وقفنامه ۱)، عزاداری برای درگذشتگان بین تمامی ملل بخشی از فرهنگ عامیانه مردم است که بر اساس باورها و عقاید مذهبی، اساطیری و مطابق نمادشناسی شکل گرفته است. بازتاب این باورها را می توان به وضوح در متن وقفنامه ها نیز دید. اعدادی که برای روزهای خاص بزرگداشت افراد در گذشته، به کار می رود و امروزه نیز رایج است، درواقع اعدادی است که بر اساس نمادپردازی های ناخودآگاه جمعی دارای معانی خاص است. این ناخودآگاه جمعی همان است که باورهای عامه را در جوامع رقم می زند.

عدد سه نشانه ارتباط آسمان و زمین است و این ارتباط در باور عامیانه مردم همه جهان درباره مرگ امری انکارناپذیر است.

در سراسر جهان «سه» عدد بنیادی است. «سه» نشانگر نظامی فکری و روحی در ارتباط با خداوند، کیهان و آدمی است. موجود زنده از سه واحد ترکیب شده و افزایش یک به دو است و در این حالت وحدت زمین و آسمان را ایجاد می کند (شوالیه، ۱۳۷۹: ۳/۶۶۳).

با توجه به این تعریف، شاید سومین روز از درگذشت یک فرد، روزی باشد که وی پس از گذر از کیهان به نزد خداوند می رود و ارتباط میان زمین و آسمان کامل می شود. همچنین عدد «هفت» در بسیاری از فرهنگ ها، نمادی از تمامیت است که حاصل جمع اتحاد الوهیت (سه) و زمین مادی (چهار) است (میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۹۵). هفتمین روز درگذشت افراد، روزی است که دنیای مادی و الهی متحد شده و انسان به کمال وجود می رسد. در این روز بازماندگان با حضور بر سر مزار و ذکر فاتحه برای فرد درگذشته طلب بخشش و مغفرت می کنند.

فلسفه عدد چهل در فرهنگ عامیانه بیش از همه اعداد است و با باورهای عامیانه و ناخودآگاه جمعی افراد آمیخته است. در باور عامیانه مردم ایران، خاک پس از چهل روز انسان را سرد می‌کند و مهر را از دل می‌برد.

- قرائت قرآن برای مرده هر روز و شب (ختم قرآن): (وقف‌نامه ۱ و ۲) در فرهنگ اسلامی، تلاوت قرآن سبب بخشش گناهان، نوشته شدن حسنه و حتی پاک شدن گناهان است. واقف از بازماندگان خود می‌خواهد تا پس از مرگ، برای او قرآن بخوانند یا کسانی را برای این کار بگمارند.

- روشن کردن دو چراغ بالای مقبره: (وقف‌نامه ۱) در باورهای عامیانه، نور چراغ مانند نور شمع هنگامی که با عبادت همراه بود، نشانگر روشنایی روح، الوهیت، گذشت سریع عمر بر روی زمین بود. میان کالاهایی که با متوفا دفن می‌شد، چراغ، زندگی بعد از حیات او را، روشنایی می‌بخشید (هال، ۱۳۸۰: ۱۳۳). اشرف‌الحاجیه در وقف‌نامه‌اش وصیت می‌کند که پس از مرگ وی دو چراغ برایش روشن کنند و این مسئله برگرفته از باور روشنایی قبر میت پس از مرگ است.

- صوم و صلوات: (وقف‌نامه ۱ و ۲ و ۳) پنجاه سال روزه گرفتن و صلوات فرستادن برای آمرزش و بخشش گناهان، از بندهای وقف‌نامه حاجیه‌اشرف است که نشان از باورهای عامیانه دنیای پس از مرگ دارد. همچنین در وقف‌نامه حکیم‌باشی یک سال صوم و صلوات آخرین وصیت واقف است. بنابراین روزه گرفتن و برپایی نماز برای واقف یکی از پر بسامدترین باورهای مذهبی عامه در میان مردم بوده است.

- روشن کردن چراغ بین صفا و مروه و جاروب کردن: (وقف‌نامه ۴)، ایرانیان از دیرباز باورهای عامیانه متعددی درباره روشنایی و چراغ داشته‌اند، چنانکه بر بالای قبرها چراغ روشن می‌کردند. در وقف‌نامه مورد نظر واقف از متولی موقوفه می‌خواهد تا همیشه در ماه ذی‌الحجه، مسیر بین صفا و مروه را که محل عبور زائران است روشن کند.

۳-۱-۴. اصطلاحات و کنایه‌های عامیانه

کنایه‌ها ازجمله عبارات متداول در باور عامه هستند که می‌توانند بیانگر درخواست، اعتراض، شادی، غم و حتی تمسخر باشد. از آن‌جا که کنایه‌ها توسط مردم ساخته

می‌شوند و به زبان راه می‌یابند، می‌توانند به‌عنوان بخشی از ادبیات عامه بررسی شوند. از آن جمله است:

- **کوس رحیل به گوش رسیدن:** (وقف‌نامه ۲)، کوس رحیل طبل بزرگی بوده است که هنگام کوچ می‌نواخته‌اند. از آن‌جا که مرگ حاکی از کوچی ابدی است، برای مرگ از کنایه «کوس رحیل به گوش رسیدن» استفاده می‌کنند.

۳-۱-۴-۱. نسبت‌های فامیلی

نسبت‌های فامیلی از جمله عناصر غیر مادی در فرهنگ و زبان عامه هستند. واژگان مربوط به این حیطه از زبان، در دوره‌های مختلف تاریخی دچار تغییر و تحول شده‌اند. در وقف‌نامه‌ها نسبت‌های فامیلی در خصوص وراثت و یا تعیین متولیان بعدی به‌کار می‌رود. در واقع واقف، فردی از اعضای خانواده و یا اقوام خویش را به عنوان متولی برمی‌گزیند و از او می‌خواهد تا کارهایی را انجام دهد. از آن جمله هستند:

- **همشیره‌زاده:** (وقف‌نامه ۱) همشیره در زبان عامیانه به خواهر گفته می‌شود و همشیره‌زاده، دختر یا پسر خواهر یا همان خواهرزاده است. اما در لغت‌نامه دهخدا «آنکه با دیگری بدون قرابت نسبت، از یک پستان شیر خورد» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «همشیره»). چنانکه ملاحظه می‌شود کاربرد این واژه در ادبیات عامیانه با ادبیات رسمی کاملاً متفاوت است.

- **زوج:** (وقف‌نامه ۱) به یکی از دو همسر، خواه زن باشد یا مرد، زوج گفته می‌شود؛ اما در ادبیات عامه زوج به شوهر گفته می‌شود و زن را زوجه می‌نامند.

- **اولاد ذکور و اناث:** (وقف‌نامه ۱) در ادب عامیانه به‌ویژه در شهرهای کردزبان و لرزبان فرزندان را «روله یا اولاد» می‌نامند. اولاد ذکور در زبان عربی به فرزند پسر و اولاد اناث به فرزند دختر گفته می‌شود. در وقف‌نامه‌ها معمولاً فرزند ذکور عهده‌دار خواسته پدر است و این رسم نسل به نسل ادامه می‌یابد.

- **صبیه:** (وقف‌نامه ۳)، در لغت به دختر کوچک صبیّه می‌گویند؛ اما در وقف‌نامه‌ها برای احترام، همه دختران را صبیّه می‌نامیدند.

۳-۲. عناصر مادی فرهنگ عامه در وقف‌نامه‌ها

با توجه به آنکه وقف‌نامه‌ها متونی با مضامین و کاربردهای دوگانه (مادی و معنوی) هستند و سنت حسنه وقف، دربارهٔ بخشش اموال صورت می‌گیرد، طبیعی است که بخشی از متن وقف‌نامه‌ها، نمایانگر عناصر مادی جامعه در هر عصر باشد. در ادامه به شرح و بررسی مهم‌ترین عناصر مادی به‌کاررفته در وقف‌نامه‌های مورد پژوهش پرداخته شده است. این عناصر همچنین می‌توانند بازتاب‌دهندهٔ سبک و شیوهٔ معیشت مردم در کرمانشاه باشند.

۳-۲-۱. مشاغل

برخی از پیشه‌ها همچون روضه‌خوان، فراش، مدرس، مؤذن و امام جماعت به آیین و سنن مذهبی و اعتقادی مرتبط هستند. این مشاغل پربسامدترین عناوین حرفه‌ها و پیشه‌ها در وقف‌نامه‌های مورد مطالعه به‌شمار می‌روند.

- روضه‌خوان: (وقف‌نامهٔ ۱ و ۵)، روضه‌خوانی بخشی از فرهنگ دینی مردم و باورهای عامیانهٔ آنان است. «معنای روضه در اصل باغ و بوستان است؛ اما سبب اشتباه مرثیه‌خوانی به روضه آن است که مرثیه‌خوانان در گذشته حوادث کربلا را از روی کتابی به نام روضه‌الشهداء متعلق به ملاحسین کاشفی برای مردم می‌خواندند، از این رو به آنان روضه‌خوان می‌گفتند» (قمی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

«در دورهٔ قاجاریه عزاداری امام حسین^(ع) رونق گرفت، به‌طوری که فتح‌علی‌شاه قاجار در بعضی شب‌های جمعه، به‌خصوص در ماه رمضان و ماه‌های محرم و صفر روضه‌خوانی برپا می‌کرد» (مظاهری، ۱۳۸۹: ۸۱). این‌گونه بود که روضه‌خوانی به بخشی از زندگی عوام تبدیل شد و باور جمعی افراد به برگزاری این مراسم‌ها تأکید کرد. در نتیجه، افرادی که عموماً از نظر دینی پذیرفته‌شده و دارای صدای خوشی نیز بودند، با عنوان روضه‌خوان به فعالیت پرداختند.

- آبداری: (وقف‌نامهٔ ۱)، یا آبدارباشی «متصدی آبدارخانه که شربت، چای، قهوه، قلیان و مانند آن تهیه می‌کرد» (عمید، ۱۳۹۱: ذیل «آبداری»). بنا بر خواست واقفان، بخشی از عواید موقوفه باید صرف مخارج و حقوق آبداری در مجالس روضه و عزاداری شود.

- عطار: (وقفنامه ۲)، عطار یا عطرفروش از مشاغلی است که امروزه به دو صورت کاملاً متفاوت در اجتماع دیده می‌شود.
- تنباکوفروش: (وقفنامه ۲)، این شغل در دوره قاجار بسیار و در کرمانشاه به دلیل آداب و رسوم مردم، بسیار متداول بوده است.
- بقال: (وقفنامه ۲) در تداول عامه به فروشنده غلات گفته می‌شود. این واژه با این معنا، از زبان هندی گرفته شده است.
- قهوه‌چی: (وقفنامه ۲) به کسی گفته می‌شود که چای‌خانه دارد و به مردم چای می‌فروشد. در عمارت‌ها به مسئول پذیرایی از میهمانان با چای و قلیان، قهوه‌چی می‌گفتند.
- فراش: (وقفنامه ۵) کسی است که در یکی از حرم‌های مقدس مانند مدینه، کربلا یا مشهد برای افتخار یا تیمن منصب جاروب‌کشی به عهده گیرد (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «فراش»).

۳-۲-۲. ابزارها و البسه

- ابزارها و البسه از عناصر مادی فرهنگ عامیانه هستند.
- تنوع آب و هوایی، سردی و گرمی بیش از اندازه، رطوبت، شرجی بودن هوا و بارندگی بیش از حد که هر یک در جایی از این سرزمین پهناور جلوه می‌نماید، مردم را نیز مطابق با طبیعت بار می‌آورد که این نه تنها در اخلاق و عادات و آداب و رسوم نمود پیدا می‌کند که در ظاهر مردم و آراستگی و پوشیدگی آن‌ها نیز تأثیرگذار بوده و هست (کامرانی‌فر، ۱۳۸۳: ۳۰۲).
- با بررسی وقف‌نامه‌ها در بسیاری از موارد، می‌توان به نتایجی قابل توجه درباره فرهنگ مردم رسید. ابزارها و البسه گاه می‌توانند بازه زمانی یک پدیده را مشخص کنند و گاهی نشانه سبک زندگی و میزان تمول افراد آن جامعه هستند.
- خاتم: (وقفنامه ۱) «مهر و انگشتی نگین‌کنده که با آن‌ها کاغذ و غیره را مهر کنند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «خاتم»). از آن‌جا که در دوره نگارش وقف‌نامه‌های مورد پژوهش بیشتر از مهر به جای امضا استفاده می‌کردند، این وسیله پرکاربرد بوده است.

- **قلیان:** (وقف‌نامه ۱ و ۳) در فرهنگ عامیانه بسیاری از نقاط ایران به‌ویژه شهرهای کردنشین و لرنشین قلیان از وسایل پذیرایی در عزاداری‌ها و روضه‌خوانی‌ها شمرده می‌شد. هنوز هم در بسیاری از نقاط این رسم متداول است.
- **سماور:** (وقف‌نامه ۲) از وسایلی است که در وقف‌نامه‌ها به آن اشاره شده و در کنار سایر اموال واقفان وقف می‌شده است.
- **کناره:** (وقف‌نامه ۳)، به فرش کم‌عرض و دراز که کنار فرش می‌اندازند، گفته می‌شود.
- **ایلاف و چیت:** (وقف‌نامه ۳)، نام انواعی از پارچه است.
- **لحاف کرسی:** (وقف‌نامه ۳)، کرسی تخت بزرگی بود که در زمستان لحاف بزرگی روی آن می‌انداختند و دور آن می‌نشستند. این سبک دورهم‌نشینی بخشی از فرهنگ عامیانه دهه‌های گذشته ایران بوده و طبیعتاً ابزار و وسایل این فرهنگ نیز متعلق به گذشته است.
- **دیگ چارک‌گیری:** (وقف‌نامه ۳) دیگی که در تداول عامه، معادل ده سیر گنجایش داشت. علاوه بر اینکه این وسیله از ابزارهای معیشتی عامه است، کلمه چارک نیز از واحدهای اندازه‌گیری عامه به‌شمار می‌رود.
- **دوری مس:** (وقف‌نامه ۳) دوری در زبان عامیانه کردی و لری به بشقاب و سینی گرد گفته می‌شود.
- **بادیه مسی:** (وقف‌نامه ۳) در زبان عامیانه به کاسه بزرگ، بادیه می‌گفتند.
- **طاس مسی:** (وقف‌نامه ۳) در گذشته، تشت بزرگ را طاس می‌گفتند.
- **مشربه:** (وقف‌نامه ۳) ظرف یا کوزه بزرگ آب‌خوری مشربه نامیده می‌شد.
- **تُنگ بلور:** (وقف‌نامه ۳) کوزه‌ای که قسمت پایین آن، بزرگ و بالای آن تنگ و باریک باشد.

۳-۲-۳. اسامی اعلام و اماکن خاص

اماکن ذکرشده در وقف‌نامه‌ها می‌تواند سندی برای درک و دریافت نوع زندگی واقف و طبقه اجتماعی او باشد. علاوه بر آن، برخی از واژگان نشانه منطقه جغرافیایی مشخصی است.

- کوتی: (وقفنامه ۱) قلعه و حصار را گویند؛ و لیکن در وقفنامه مورد نظر، نگارنده به عمارت مورد وقف کوتی گفته است.
- دارالدوله: (وقفنامه ۱ و ۵) در لغتنامه دهخدا (۱۳۷۷)، ذیل دارالدوله آمده است که این واژه لقب کرمانشاه بوده و به آن دارالدوله کرمانشاهان می‌گفته‌اند.
- کاروانگاه یا کاروانسرا: (وقفنامه ۱ و ۵) محل اقامت کاروان‌ها در مسیر شهرها را کاروانگاه یا کاروانسرا می‌گفته‌اند. در ادبیات و فرهنگ عامیانه، به دنیا کاروانسرا می‌گویند؛ زیرا انسان در آن چون مسافری است که می‌گذرد. در متن وقفنامه همان معنای لفظی کلمه، مورد نظر بوده است.
- حسینی: (وقفنامه ۱ و ۲) حسینی «خانه‌ای است که مخصوص اقامه عزای حسین - بن‌علی بن ابیطالب باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «حسینی»). حسینی‌ها از مهم‌ترین خاستگاه‌های فرهنگ و ادبیات عامیانه هستند؛ زیرا نه تنها نشان از باور عامیانه عزاداری بزرگان هستند؛ بلکه به واسطه روضه‌خوانی، تعزیه‌خوانی و مرثیه‌خوانی‌ها، محل تبلور ادبیات عامیانه‌اند.
- حجره و دکان: (وقفنامه ۲ و ۳ و ۵)، حجره و دکان در تداول عامه به یک معنا هستند و امروزه به آن‌ها مغازه می‌گویند. در ادبیات عامیانه، اتاق طلاب را نیز حجره می‌نامند.
- قریه: (وقفنامه ۴)، ده و روستا را قریه می‌نامیده‌اند.
- علف‌خانه: (وقفنامه ۳) محل نگهداری و فروش علوفه را علف‌خانه گویند. این محل امروزه وجود ندارد.
- تیمچه: (وقفنامه ۵) سرائی است دارای چند دکان و حجره که تجار در آن به خرید و فروش می‌پردازند.
- چهارسوق: (وقفنامه ۵) در گذشته به بازار چهارسوق می‌گفته‌اند. امروزه نیز در برخی از شهرها از همین واژه استفاده می‌شود.

۳-۲-۴. واحدهای اندازه‌گیری

واحدهای اندازه‌گیری در وقفنامه‌ها برای اعلام میزان مال وقفی یا مساحت ملک مورد وقف به کار می‌رفته است. به طور کلی این واحدها در وقفنامه‌ها شامل مقیاس‌های اندازه‌گیری وزن، مساحت یا پول هستند.

- مَن: (وقف‌نامه ۱ و ۳) از واحدهای اندازه‌گیری است که در شهرهای مختلف، مقدارهای مختلفی دارد.
- تومان: (وقف‌نامه ۱) کلمه‌ای است مغولی به معنی ده هزار که بعدها در ایران معادل ده قران شد. امروزه قسمی از واحد پول ایرانیان، تومان است.
- قران جدیدالضرب ناصرالدین شاه: (وقف‌نامه ۱) واحد پول ایران در عهد قاجاریه و اوایل پهلوی، و آن مسکوکی از نقره بود به وزن ۲۴ نخود و معادل یک ریال کنونی (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «قران»).
- دانگ: (همه وقف‌نامه‌ها) یک قسمت از شش قسمت هر چیز را دانگ گویند و در اصطلاح همه یک چیز را شش دانگ گویند؛ اما در وقف‌نامه‌ها واحدی است برای وقف املاکی مانند باغ، مزرعه، دکان و ... که از پر بسامدترین و پرتکرارترین واحدها در وقف‌نامه‌هاست.
- طاقه: (وقف‌نامه ۱) واحد شمارش جامه، پارچه و مانند آن (عمید، ۱۳۹۱: ذیل «طاقه») که در وقف‌نامه حاضر واقف آن را در مورد شال به کار برده است.
- خروار: (وقف‌نامه ۱) توده چیزی که به قدر بلندی جسم خر، یا آنکه چیزی به قدر برداشتن خر باشد (همان، ذیل «خروار»). از واحدهای اندازه‌گیری غیررسمی که در زبان عامه به عنوان مقدار خیلی زیاد به کار می‌رود.

۴. نتیجه

- وقف به عنوان یک فرهنگ و سنت حسنه، نه تنها بیانگر باورهای مذهبی و اخلاقی مردم است؛ بلکه نمایانگر فرهنگ عامیانه نیز هست. وقف‌نامه‌ها از بهترین ابزار برای رصد تفکرات مردم در جوامع مختلف به شمار می‌روند. در پژوهش حاضر، پس از بررسی متن وقف‌نامه‌های برگزیده از کرمانشاه، نتایج زیر حاصل شد:
۱. عناصر فرهنگ عامیانه مادی و معنوی در موقوفات این دوره هیچ‌گاه از دو حالت خارج نیست؛ اگر معنوی هستند؛ به عوامل مذهبی و آموزشی اشاره دارند و اگر مادی هستند درگیر عوامل معیشتی و اقتصادی‌اند.
 ۲. در میان عناصر معنوی عامیانه در وقف‌نامه‌ها، برگزاری مجالس مذهبی در ایام

خاص و بزرگداشت ائمه به شکل‌های گوناگون از پربسامدترین آیین‌های عامیانه ذکر شده در وقف‌نامه‌ها به‌شمار می‌رود. روزه گرفتن و برپایی نماز برای واقف (صوم و صلوات) به‌عنوان یکی دیگر از باورهای مذهبی عامه در وقف‌نامه‌ها بسیاری تکرار شده است که این مسئله نشان از باورهای دینی و اعتقادی مردم دارد.

۳. در میان مشاغل، به‌عنوان عوامل مادی، پربسامدترین آن‌ها در وقف‌نامه‌ها مشاغل هستند که با مراسم، آداب و رسوم مذهبی ارتباط دارند. همچنین البسه و وسایل ذکر شده در وقف‌نامه‌ها نیز می‌تواند نشان‌دهنده و معرفی‌کننده فرهنگ و زبان عامیانه کرمانشاهان در دوره قاجار باشد. استفاده از واژگان خاص برای واحدهای اندازه‌گیری به‌ویژه مساحت، وزن و پول و همچنین بناها و اماکن، نمود دیگری از فرهنگ عامه در وقف‌نامه‌هاست.

۴. از نظر نگارش متون نیز، نگارش بیشتر وقف‌نامه‌ها توسط روحانیون، سبب شده تا زبان عامه، در زیرشاخه گویش‌های اجتماعی طبقه روحانیون قرار گیرد. در پایان می‌توان گفت با وجود آنکه وقف‌نامه‌ها بخشی از متون خاص بوده و توسط قشر خاصی از جامعه نگاشته شده‌اند؛ اما به‌دلیل رسوخ باورهای مذهبی در اندیشه و فرهنگ مردم، دربردارنده عناصر فرهنگ عامه هستند و می‌توانند حافظ بخشی از ادبیات عامیانه باشند.

منابع

- انجوی شیرازی، ابوالقاسم و محمود ظریفیان (۱۳۷۱). *گذری و نظری در فرهنگ مردم*. تهران: اسپرک.
- بشیر، حسن (۱۳۹۰). *فرهنگ وقف و مفاهیم بنیادین فرهنگ اسلامی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۰). *سبک‌شناسی*. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۸۴). «تعریف فرهنگ عامه با تعیین موضوعات آن (درباره ادبیات شفاهی ۱)». *کتاب ماه کودک و نوجوان*. ش ۹۱. صص ۱۰۲-۱۰۵.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۸۹). *دیوان حافظ*. به اهتمام جهانگیر منصور. تهران: دوران.

- حرعاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۳۸۰). *وسائل الشیعه و مستدرک‌ها*. ج ۱۴. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذاکری، مصطفی (۱۳۸۱). «تعریف برخی اصطلاحات مهم و اساسی در لهجه‌شناسی». مجموعه مقالات هم‌اندیشی‌گوشش‌شناسی ایران. به کوشش حسن رضایی باغبیدی. ج اول. تهران: نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۱۷۳-۲۰۴.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۶). *زبان و ادبیات عامه ایران*. تهران: سمت.
- سعدی شیرازی، ابومحمد مشرف‌الدین مصلح (۱۳۵۶). *بوستان*. شرح محمد خزائلی. تهران: جاویدان.
- سپیک، ییری (۱۳۸۴). *ادبیات فولکلور ایران*. ترجمه محمد اخگری. تهران: سروش.
- شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضائلی. ج ۱-۵. تهران: جیحون.
- عمید، حسن (۱۳۹۰). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۵). *فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه*. تهران: بوستان کتاب.
- کامرانی‌فر، احمد (۱۳۸۳). «پوشاک زن ایرانی در نگاه گیتی‌نوردان زن اروپایی». مجموعه مقالات مردم‌شناسی و فرهنگ عامه. ج ۲. صص ۲۸۱-۳۲۸.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران*. ج ۱ و ۲. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.
- مظاهری، محسن حسام (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران*. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
- میتفورد، میراندا - بوروس (۱۳۹۴). *دایره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها*. ترجمه معصومه انصاری. تهران: سایان.
- میهن‌دوست، محسن (۱۳۸۰). *پژوهش عمومی فرهنگ عامه*. تهران: توس.
- هال، جیمز (۱۳۹۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- هدایت، صادق (۱۳۷۸). *فرهنگ عامیانه مردم ایران*. تهران: چشمه.

The Reflection of Folk Culture and Literature in the Deeds of Qājār Era in Kermānshāh Province

Mohammad Mowlāei ^{*1} Vahid Mobarak ² Fātemeh Kolāhchian³ Gholāmrezā Salemian⁴

1. Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature-Rāzi University – Kermānshāh – Iran.
2. Assistant Professor of Persian Language and Literature - Rāzi University – Kermanshah – Iran.
3. Assistant Professor of Persian Language and Literature - Rāzi University – Kermānshāh – Iran.
4. Associate Professor of Persian Language and Literature - Rāzi University – Kermānshāh – Iran.

Received: 14/04/2019

Accepted: 02/07/2019

Abstract

The Iranian folk culture originates from ancient time so that Iran can be considered the origin of ancient rituals and beliefs. Kermānshāh province is one of the regions rich in cultural heritage. Therefore, the beliefs of its inhabitants may well reflect the folk culture of this region. In the same vein, as an important element of folk culture and literature, the crystallization of this rich culture in these deeds is highly important and remarkable. By adopting a descriptive-analytical research methodology, the current research investigated the attributes of folk culture and literature in five deeds of Qājār Era in Kermānshāh Province. The results indicate that these texts are the best indicator to observe people's thoughts during Qājār period and can be clearly seen in the reflections of folk culture and literature. The expressions of professions, instruments, weight and quantity, titles, curse and prayer, measurement and religious rituals are among the material and spiritual elements that have been analyzed, identified and investigated in these deeds.

Keywords: Folk literature; Deed; Qājār Era; Kermānshāh province.

^{*}Corresponding Author's E-mail: mobarak-vahid@yahoo.com